

## مقدمه

سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی-سیاسی ملتها و کشورها به شمار می‌رود، چون بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. از این رو، تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از دل‌مشغولیهای فکری و ذهنی محافل علمی و دانشگاهی است، به گونه‌ای که حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی جهت پاسخگویی به این کنجکاوی و دل‌نگرانی تأسیس و توسعه یافته است. تحول و تکامل این رشته، مطالعات گسترده و رویکردهای نظری متنوع و متعددی را در متن و بطن خود پرورده و پرداخته است. هدف و مقصد همه تلاشهای فکری و کنشهای معرفتی، واکاوی ماهیت و واگویی رفتار کشورها در عرصه بین‌المللی است.

حوزه مطالعاتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز توسعه و تعالی چشمگیری داشته است. به طوری که در سه دهه گذشته ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه تحلیل و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خلق شده است. هر یک از تحلیل‌گران و اندیشمندان براساس ایستارها، ارزشها، برداشتها و چارچوبهای مفهومی خاصی به بحث و بررسی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی مبادرت ورزیده‌اند.

ادبیات موجود در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد؛ نخست، کتابها و مقاله‌هایی که تحلیل‌گران و نویسندگان خارجی نوشته‌اند. غالب این نوشته‌ها، چون منظر فرهنگی و ارزشی خاصی دارند، در تحلیل سیاست خارجی ایران بیشتر بر عامل ایدئولوژی تأکید

ورزیده‌اند. دوم، آثاری که از منظری انقلابی و اسلامی به تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. این نوع بیشتر به توصیف اصول، اهداف و مبانی سیاست خارجی ایران در متون دینی و قانون اساسی مبادرت ورزیده‌اند. سومین دسته از مطالعات و پژوهشها در حوزه سیاست خارجی ایران به صورت روشمند و علمی و با رعایت اصل انصاف و بی‌طرفی آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند. هدف این کتاب نیز توصیف و تبیین علمی و روشمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی به صورت یک متن آموزشی است. بنابراین، از یک سو بر پایه اصول تدوین کتب درسی تلاش شده است تا از ادبیات موجود در حوزه مطالعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده بهتری شود، به طوری که یافته‌ها و داده‌های علمی سایر اندیشمندان، نویسندگان و تحلیل‌گران سیاست خارجی ایران نقشی برجسته در تألیف این کتاب داشته است.

اما از سوی دیگر، بر مبنای سنت علم‌نباشتی سعی بر آن بوده است تا با پردازش داده‌های موجود، در قالب یک چارچوب نظری و مفهومی چندمتغیره، متن متفاوت و متمایزی ارائه شود. از این رو، مهم‌ترین ویژگی این اثر، جامع‌نگری آن است. به گونه‌ای که در توصیف و تحلیل سیاست خارجی ایران هر دو حوزه نظری و عملی را پوشش می‌دهد.

بر این اساس، کتاب در دو بخش و نه فصل تنظیم شده است. بخش نخست، در پنج فصل، به بحث و بررسی مبانی نظری، اصول کلی، اهداف، استراتژی و منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. نخستین فصل رویکردهای نظری سیاست خارجی ایران را واکاوی می‌کند. هدف این فصل توضیح امکان و چگونگی به کارگیری نظریه‌های مختلف به عنوان چارچوب نظری و مفهومی برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. این نظریه‌ها به دو دسته عام تقسیم می‌شوند. گروه اول نظریه‌های تحلیل سیاست خارجی<sup>۱</sup> است. این نظریات مشخصاً برای تحلیل و تبیین سیاست خارجی کشورها ارائه شده‌اند که معمولاً آنها را

«نظریه‌های تصمیم‌گیری»<sup>۱</sup> یا «سیاست‌گذاری»<sup>۲</sup> می‌نامند. الگوهای مختلفی در چارچوب نظریه‌های تصمیم‌گیری ارائه شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بازیگر خردمند<sup>۳</sup>، سیاست دیوانسالاری<sup>۴</sup>، تصمیم‌گیری گروه کوچک<sup>۵</sup>، تئوری نخبگان<sup>۶</sup>، و تکثرگرایی<sup>۷</sup>.

دسته دوم، نظریه‌های روابط بین‌الملل هستند. این نظریات جهت تبیین یا تفسیر روابط بین‌الملل ارائه شده‌اند. بنابراین در مورد امکان به کارگیری این نظریه‌ها برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی اختلاف نظر وجود دارد. نظریه‌پردازانی چون کنت والتز<sup>۸</sup> دو حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را مستقل و مجزا می‌پندارند. به نظر آنان، نمی‌توان از نظریه‌های روابط بین‌الملل جهت پردازش نظریه سیاست خارجی و تبیین آن سود برد. گروه دیگری از اندیشه‌ورزان بر این باورند که این دو حوزه مکمل یکدیگرند. به طوری که هر یک از آنها به تبیین نظری قلمرو و حوزه‌های موضوعی می‌پردازد که از دست‌ورکار دیگری خارج است. سومین دیدگاه، استدلال می‌کند که بین نظریه‌های سیاست بین‌الملل یا روابط بین‌الملل از یک سو و سیاست خارجی از دیگر سو اختلاف فاحشی وجود ندارد و بین این دو نوعی تعامل وجود دارد. از این رو می‌توان از نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل اصول کلی و راهنمای پردازش نظریه و تحلیل سیاست خارجی استنتاج کرد. به بیانی دیگر نظریه‌های روابط و سیاست بین‌الملل در صورت جرح و تعدیل، نقطه آغاز و منبعی مناسب جهت نظریه‌پردازی و تحلیل سیاست خارجی به شمار می‌رود. بنابراین، اگرچه نمی‌توان به یک نظریه جهان‌شمول<sup>۹</sup> و فراگیر سیاست خارجی دست یافت ولی پردازش نظریه‌های تحلیل سیاست خارجی ممکن است.

- 
1. decision making theories
  2. policy making theories
  3. the rational actor model
  4. bureaucratic politics
  5. small group decision making
  6. elite theory
  7. pluralism
  8. Kenneth Waltz
  9. universal

با این همه، باید خاطرنشان کرد که هدف این فصل نظریه‌پردازی در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تبیین و تحلیل نظری آن نیست؛ بلکه، همان‌طور که ذکر شد، این فصل درصدد توضیح نظریه‌هایی است که می‌تواند به عنوان چارچوب نظری و مفهومی برای واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی به کار رود. با این حال، چارچوب مفهومی و نظری که به نظر نگارنده از قدرت تبیین بیشتری برخوردار بوده و در این کتاب نیز به کار بسته شده است مورد تأکید قرار می‌گیرد. این چارچوب مفهومی دو کارکرد دارد. اولاً ما را قادر می‌سازد تا ماهیت چندعاملی سیاست خارجی را مورد توجه قرار داده و متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تبیین نماییم. ثانیاً، امکان و زمینه‌سازماندهی روشمند فصول بعدی کتاب را فراهم می‌سازد.

بنابراین، فصل دوم به واکاوی و توضیح منابع<sup>۱</sup> سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌پردازد. منابع یا متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به عنوان متغیر وابسته، عوامل فردی، وابسته به نقش، حکومتی، اجتماعی یا ملی و بین‌المللی یا خارجی را شامل می‌شود. هدف اصلی این فصل توضیح این واقعیت است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برآیندی است از متغیرها و عوامل متعدد و متنوع به گونه‌ای که هیچ‌یک از این عوامل و عناصر به تنهایی به سیاست خارجی ایران شکل نمی‌دهد. این امر بدان معناست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی، همانند دیگر کشورها، از استمرار و تداوم برخوردار است. به عبارت دیگر، در چارچوب الگوی تداوم و تغییر، سیاست خارجی ایران نوعی ثبات و دوام دارد. البته این به معنای ایستایی و تغییرناپذیری سیاست خارجی نیست بلکه منظور آن است که تغییرات به صورت فوری و فاحش نبوده و به صورت تدریجی در لایه‌های تصمیم‌گیری و رفتاری ظهور و بروز می‌کند.

فصل سوم، به اصول، مبانی، اهداف و استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی اختصاص دارد، زیرا تجزیه و تحلیل و درک و فهم تحولات سیاست

---

1. sources of foreign policy

خارجی ایران بدون شناخت اصول، مبانی، اهداف و استراتژی آن امکان‌پذیر نیست. دو موضوع و مطلب در کانون توجه و تمرکز این فصل است. نخست، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به ماهیت اسلامی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به آن در پی تأمین مصالح اسلامی و منافع ملی است. دوم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی دو دسته اهداف ملی و فراملی دارد. تبیین و تحلیل سیاست خارجی ایران بی‌برداشت صحیح از این منافع و اهداف و تعامل و نسبت بین آنها مقدور نیست.

موضوع فصل چهارم، گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. هدف این فصل توضیح و تبیین گفتمانهای گوناگونی است که در سه دهه اخیر بر سیاست خارجی ایران حاکم شده‌اند. به‌طور کلی دو ابرگفتمان ملی‌گرایی لیبرال و اسلام‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی غلبه یافته است. گفتمان ملی‌گرایی لیبرال در زمان دولت موقت و دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر در سیاست خارجی رسمی ایران برتری داشت. اسلام‌گرایی نیز که به پنج خرده‌گفتمان آرمان‌گرایی، مصلحت‌گرایی، واقع‌گرایی، صلح‌گرایی مردم‌سالار و اصول‌گرایی عدالت‌محور تقسیم می‌شود پس از برکناری بنی‌صدر در خرداد ماه ۱۳۶۱ تاکنون بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکمیت داشته است.

از این‌رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شش دوره گفتمانی تقسیم می‌گردد. البته با توجه به اینکه هر گفتمان یک‌پا در گفتمان پیشین و پای دیگر در گفتمان پسین خود دارد، زمانبندی این دوره‌ها را باید با اغماض و تسامح علمی مدنظر قرار داد. با وجود این، استدلال خواهد شد که این تقسیم‌بندی و زمانبندی دلخواه و نیز غیرروشمند نیست. همچنین، لازم به یادآوری است که بر مبنای چارچوب مفهومی کتاب، توضیح و تحلیل گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی لازم و ضروری است. زیرا، در میان تحلیل‌گران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نوعی اجماع نظر وجود دارد که ساختارهای غیرمادی و انگاره‌ای دربرگیرنده فرهنگ، ایدئولوژی و مذهب، از جمله مهم‌ترین عوامل

تعیین‌کننده آن به‌شمار می‌رود. با این حال، هدف این فصل تجزیه و تحلیل گفتمانی سیاست خارجی ایران نیست بلکه توضیح گفتمانهای مختلف آن است.

آخرین فصل از بخش نخست، به توضیح نهادهای تصمیم‌گیرنده یا ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌پردازد. با عنایت به چارچوب نظری و مفهومی کتاب که دو دسته از منابع سیاست خارجی ایران را عوامل و متغیرهای حکومتی و وابسته به نقش می‌داند، بررسی و تبیین ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران اجتناب‌ناپذیر است. فراتر از این، با توجه به ارتباط وثیق متغیرهای فردی و وابسته به نقش در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی و تعیین رفتار سیاست خارجی، توضیح جایگاه، صلاحیتها و اختیارات هر یک از نهادهای حکومتی ضروری است. بنابراین، هدف این فصل توضیح سیاست خارجی ایران براساس نظریه‌های تصمیم‌گیری نیست.

بخش دوم، چهار فصل، به بحث و بررسی ادوار و تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سی سال گذشته می‌پردازد. در این بخش تلاش می‌شود تا براساس تبیینات فصلهای گوناگون، تداوم و تغییر در سیاست خارجی ایران واکاوی شود. چون همان‌گونه که ذکر شد، سیاست خارجی ایران در عین تداوم و استمرار دستخوش تغییر و تحول نیز شده است. از این‌رو، فصلهای چهارگانه این بخش این امکان را فراهم می‌سازد که حوزه‌های تغییر و تداوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بررسی شود. آیا تغییرات و تحولات در حوزه مبانی و استراتژی بوده است یا تاکتیکها و ابزارها؟ برای پاسخ به این پرسش سیاست خارجی جمهوری اسلامی به پنج دوره تقسیم شده است: دولت موقت، دوران جنگ، دوران سازندگی، دوران اصلاحات، و دوران اصول‌گرایی. این دوره‌بندی براساس دولت حاکم، به معنای قوه مجریه، و نقاط عطف آن دوره است. تنها مورد استثنا بررسی بحران گروگان‌گیری در سفارت امریکا در سال ۱۳۵۸ است که به علت وقوع در زمان دولت موقت، در دوره اول صورت می‌گیرد.

بنابراین، فصل ششم به تجزیه و تحلیل تحولات و موضوعات سیاست خارجی ایران در دوره دولت موقت اختصاص دارد. واکاوی سیاست خارجی ایران در دوران

جنگ موضوع فصل هفتم است. ردیابی و بازنمایی تغییر و تداوم در سیاست خارجی ایران در این دوره که جنگ خارجی بر کشور تحمیل شده مورد تأکید خواهد بود. تبیین و تحلیل ابعاد و وجوه مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی پس از پایان جنگ در دوره موسوم به سازندگی در فصل هشتم صورت می‌گیرد. در این دوره بعضی از منابع تعیین‌کننده سیاست خارجی ایران، مانند تصمیم‌گیرندگان، قانون اساسی و محیط خارجی و عملیاتی آن دچار دگرگونی و دگردیسی شد. از این رو، بررسی این دوره امکان نشان‌دادن فرایند تداوم در عین تغییر را در سیاست خارجی ایران فراهم می‌سازد. نهمین فصل، سیاست خارجی دولت اصلاحات را پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ توصیف و تبیین می‌کند. شاید مهم‌ترین ویژگی این دوره به قدرت رسیدن کسانی است که به گفتمان سیاسی متمایزی اعتقاد داشته و در چارچوب آن عمل کرده‌اند. وقوع بحرانهای افغانستان و عراق نیز یکی دیگر از تمایزات این دوره است. تصمیم‌براین بود در آخرین فصل کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی عدالت‌محور که از مرداد ماه ۱۳۸۴ آغاز شد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما این فصل به صلاحدید انتشارات سمت در چاپهای بعد منظور خواهد شد.

در پایان یادآوری چند نکته ضروری می‌نماید. اول، علی‌رغم سنت رایج و روش مرسوم در تدوین کتب درسی در محافل دانشگاهی خارج از کشور، و با علم به این موضوع، این کتاب برپایه یک چارچوب نظری نگاشته شده است. شاید بعضی از همکاران و اندیشمندان این را نوعی سوگیری نظری و عدم رعایت بی‌طرفی علمی قلمداد کنند. نگارنده ضمن توجه به این نقد عالمانه بر این باور است که انتخاب یک چارچوب نظری مشخص دو کارکرد و کار ویژه بسیار مهم دارد که این اقدام را توجیه‌پذیر می‌سازد. اولاً، امکان سازماندهی روشمند کتاب را مقدور می‌سازد. ثانیاً، به ما می‌آموزد که چگونه می‌توان یک چارچوب نظری را برای تبیین سیاست خارجی ایران که بعضی آن را یک بازیگر منحصر به فرد می‌پندارند، به کار بست.

دوم، اگرچه کتاب بر مبنای یک چارچوب نظری و مفهومی معینی نگاشته شده است، اما نگارنده نهایت تلاش خود را مبذول داشته است تا از داوری و ارزیابی در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرهیزد. بدین ترتیب، این امکان برای همکاران و اساتید گرانقدر فراهم می‌شود تا آزادانه در بحث دامنه بگسترانند و به نقد و بررسی مطالب پردازند. علاوه بر این، دانشجویان را قادر می‌سازد که قدرت تحلیل خود را محک زده و به ارزیابی مباحث و نتیجه‌گیری مبادرت ورزند. از این رو، جمع‌بندی مطالب و مباحث در قالب نتیجه‌گیری کلی کتاب نیز ارائه نشده است. سوم، اگرچه سیاست خارجی از روابط خارجی متمایز است، اما در عمل بسیاری از مواقع این دو تداخل پیدا می‌کنند. در این کتاب نیز، به‌رغم سعی وافر برای جلوگیری از این امر، در بعضی از موارد هم‌پوشی و تداخل وجود دارد. چهارم، وصول هدف در بررسی دوره‌های پنج‌گانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، موضوعات کانونی در چارچوب ویژگی‌ها و اصول کلی آن دوره بوده، شاید بعضی از حوزه‌های موضوعی یا جغرافیایی بررسی نشده باشد، چون در صورت پرداختن به این حوزه‌ها و موضوعات حجم کتاب از این هم بیشتر می‌شد.

پنجم، نگارنده، برای نخستین بار بحث گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قالب سخنرانی علمی در آذر ماه ۱۳۷۸ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی ارائه داد. سپس به عنوان فصل اول طرح این کتاب که در همان سال به انتشارات سمت پیشنهاد شد و مورد تصویب قرار گرفت، منظور گردید. اما متأسفانه یکی از نویسندگان، مفهوم‌بندی این فصل را با اندک تغییر و بدون ذکر مأخذ در کتاب خود که در سال ۱۳۸۱ منتشر شد به کار بست.

این کتاب حاصل بیش از یک دهه تدریس، تجربه و تحقیق مؤلف در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. اما بی‌تردید کاستیها و کژی‌هایی دارد که امیدوارم با نقد عالمانه اساتید و همکاران فرهیخته مرتفع گردد. انتشار این کتاب مرهون و مدیون زحمات، الطاف، همکاری و همیاری بسیاری از فرهیختگان و عالمان گرانسنگ است. از این رو، بر خود واجب می‌دانم که از آنان سپاسگزاری



کنم. از کلیه اندیشمندان و نویسندگانی که از دسترنج علمی آنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم در نگارش این کتاب بهره برده‌ام تشکر می‌نمایم. همچنین، از دوست و همکار فاضل جناب آقای دکتر ابراهیم برزگر که بی‌مساعی و لطف ایشان این کتاب هرگز منتشر نمی‌شد صمیمانه سپاسگزارم. قدردانی از مسئولان انتشارات «سمت» را نیز وظیفه خود می‌دانم. در طول نگارش این دفتر در چند سال گذشته از نظرات، دیدگاهها و اندیشه‌های اساتید و همکاران و دانشجویان بسیاری بهره‌مند شده‌ام، از همگی این فرهیختگان کمال امتنان را دارم. به‌ویژه از دوست و همکار ارجمند جناب آقای دکتر غلامعلی چگینی‌زاده متشکرم و سرانجام، پشتیبانی و مساعدت معنوی همسر و صبر و شکیبایی پسر را ارج می‌نهم.

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی